

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

دوره ۱۵، شماره ۳ - شماره پیاپی ۵۴، آذر ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵

صص: ۶۴-۸۳

بررسی نقش پیدایش صنعت نفت بر توسعه اجتماعی (مورد مطالعه: مسجدسلیمان ۱۳۱۲-۱۲۸۰ ش)

رضا کیانی نیا^{۱*}

۱- گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

چکیده

اکتشاف و پیدایش صنعت نفت در مسجدسلیمان و انعقاد قرارداد داری در سال ۱۹۰۱ میلادی، باعث ایجاد تاثیرات عمیق ساختاری در بعد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این منطقه نفت خیز گردید. قرار گرفتن تعداد قابل توجهی از مردم در اقصای نوظهور کارگری و کارمندی شرکت نفت و استفاده از مظاهر تمدنی غربی، رفاهی، مسکونی، آموزشی و بهداشتی بی سابقه، باعث تغییر اساسی در سبک زندگی مردم این حوزه ی اکتشافی و صنعتی گردید؛ آنچنان که به ناگاه، اجتماعی با ساختار فرهنگ سنتی و بافتار جمعیتی و قشربندی عشیره ای، به واسطه کشف نفت و حضور انگلیسی ها در منطقه، با آخرین دستاورد های علمی و فنی (وجه مادی فرهنگ) و به تبع آن شیوه ی جهان نگری (وجه غیرمادی فرهنگ) غرب مواجه و آشنا شد.

تلاش شرکت نفت ایران و انگلیس برای تامین نیروی انسانی و نیاز حیاتی به آن، موجب افزایش مهاجرت به این منطقه شد. فرض اساسی در این نوشتار بر این است که رونق گرفتن صنعت نفت به عنوان عامل تکنولوژیکی جدید، و هم زمان، تفاوت های فرهنگی مهاجران با خرده فرهنگ های متنوع و امتزاج عناصر فرهنگی آنان با هم و نیز بخشی از فرهنگ جدید غربی، زمینه ساز تغییرات اجتماعی مهمی شد که خود، آغازگر فرایند توسعه ی اجتماعی به معنای جامعه شناختی آن بود.

کلمات کلیدی: صنعت نفت، داری، توسعه ی اجتماعی، مسجدسلیمان، شرکت نفت ایران و انگلیس.

مقدمه

نفت به عنوان مهم‌ترین منبع انرژی در قرن بیستم اهمیت ویژه‌ای یافت به گونه‌ای که این قرن را قرن نفت نامیده‌اند (یرگین، ۱۳۷۴: ۲۹). در جنگ جهانی اول برای نخستین بار نیروی دریایی بریتانیای کبیر ترجیح داد نفت را جایگزین سوخت‌های دیگر کند (قربان‌پور، ۱۳۹۰: ۱۶۱). مهم‌ترین منبع نفت در دسترس آن کشور، منابع نفتی ایران بود. بنابراین، وابستگی انگلستان به نفت ایران در طول جنگ جهانی به تأسیس و توسعه‌ی صنعت نفت انجامید که خود به تسریع روند مهاجرت، تحول جمعیت و ترکیب فرهنگ‌های مختلف در منطقه‌ی نفتی جنوب ایران منجر شد.

دستیابی انگلستان به منابع نفت ایران با قرارداد داری آغاز شد. در سال ۱۹۰۱ م/ ۱۲۷۹ ش، ویلیام ناکس داری با تشویق و وساطت کتابچی خان موفق به کسب امتیاز استخراج نفت از مظفرالدین شاه قاجار شد (شوادران، ۱۳۵۴: ۱۳) این قرارداد، حق انحصاری بهره‌برداری از انواع فرآورده‌های نفتی را در تمام مراحل و در سراسر کشور (به جز پنج ایالت شمالی) برای مدت شصت سال به داری واگذار می‌کرد (ذوقی، ۱۳۷۵: ۶۳). از سال ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۵ م عوامل و مهندسان استخدام شده برای اجرای قرارداد، تلاش می‌کردند در مناطق غرب کشور همچون چاه سرخ در نزدیکی قصر شیرین که منابع نفت مشخصی داشت، چاه‌های نفت را حفر کنند؛ اما با مشاهده‌ی ناچیز بودن ذخایر این منابع، دوری از بنادر خلیج فارس و کاهش شدید سرمایه‌ی اولیه‌ی شرکت، تصمیم بر این شد تا منطقه‌ی تجسس را به حوزه‌های نفتی اطراف مسجد سلیمان و ماماتین در جنوب غربی محدود کنند (فاتح، ۱۳۸۴: ۲۵۶).

سرانجام در ماه می ۱۹۰۸ م بهره‌برداری از چاه نفت میدان نفتون در مسجد سلیمان به نتیجه رسید. کشف نفت (۱۹۰۸ م/ ۱۲۸۷ ش)، موجب تأسیس پالایشگاه‌های نفتی، احداث شرکت، ساخت شهرهایی متفاوت با بافت معمول شهرهای سنتی ایران در منطقه‌ی مسجد سلیمان و آبادان کنونی و هم‌چنین استخدام عشایر و روستائیان به عنوان کارگر و کارمند در مجموعه‌ی وسیع حوزه‌ی اکتشافی نفت شد.

مسجد سلیمان منطقه‌ای تاریخی است که برای اولین بار توسط مهندسین کمپانی نفت داری به عنوان شهر پایه‌گذاری شد. در ابتدا منطقه‌ای بایر و چراگاه فصلی ایل بختیاری بوده که بنابر گزارش‌های منابع موجود، در قرون وسطی به نام «تلغر» و تا قبل از اکتشافات نفتی «جهانگیری» و پس از حفر اولین چاه در این منطقه به «میدان نفتون» و در سال ۱۳۰۳ ه. ش، (سال سفر رضاخان به آنجا) به واسطه‌ی مجاورت با آتشکده‌ی قدیمی سرمسجد به «مسجد سلیمان» تغییر نام داشته‌است.

با کشف و حفر حلقه‌های چاه‌های نفت، مسجد سلیمان پس از گذشت یک دهه تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین شهرهای صنعتی و پیشرفته با امکانات رفاهی و تفریحی بسیار بالا و یکی از کانون‌های بزرگ اشتغال کشور شد و سیل مهاجران جویای کار به این منطقه سرازیر گشت. تهیه مسکن و امکانات رفاهی برای این کارگران در اولویت برنامه‌های جانیی شرکت نفت ایران و انگلیس قرار گرفت. انگلیسی‌ها، ابتدا برای کارمندان خارجی و سپس برای کارگران ایرانی شرکت، اقدام به تأمین این امکانات کردند. به‌طور طبیعی، سعی صاحبان امتیاز بر آن بود تا توسعه امکانات رفاهی و سایر تأسیسات مورد نیاز پرسنل شرکت را مطابق فرهنگ شهرنشینی و ساختار فرهنگی و اجتماعی خویش که برای جمعیت ساکن و شاغل در منطقه ناآشنا و غریب می‌نمود، به اجرا درآوردند و به این ترتیب، کارکردهای پنهانی هم

مثبت و هم منفی (به تعبیر تئوری جامعه‌شناختی رابرت مرتن)، در مواجهه‌ی دو فرهنگ متفاوت با عناصری بیگانه از هم و گاه متضاد، منجر به غلبه‌ی فرهنگ مادی و غیرمادی انگلیسی‌ها و در واقع غربی‌ها بر فرهنگ سنتی - عشیرتی بومیان ساکن حوزه‌ی نفتی شد. این تغییرات را می‌توان سرآغاز توسعه اجتماعی در نظر آورد. به نظر می‌رسد برای تحلیل جامعه‌شناختی این پدیده بهتر آن است که از پارادایم کارکردگرایی بهره بگیریم هر چند پیامدهای کشف نفت در استان خوزستان بعداً چنان بر زندگی اجتماعی ایرانیان مؤثر واقع شد که برای تحلیل تاریخ صنعتی شدن ایران بر اساس نفت، لاجرم تحلیل گرانی چون آبراهامیان را به بهره‌گیری از پارادایم تضادی (مارکسیستی) سوق داد.

بنا بر تحلیل کارکردی می‌توان گفت که نظام اجتماعی مسجدسلیمان (که بر اساس دیدگاه‌های جامعه‌شناسان کاملاً سنتی بود)، پیش از کشف نفت و ورود انگلیسی‌ها، در تعادل به سر می‌برد. پس از استخراج نفت، هر دو عامل باعث ایجاد بی‌تعادلی و تغییرات مهمی در این شهر شدند. جانسون با همین تحلیل یعنی منابع تغییر و تحول در تعادل یک نظام، چهار دسته منبع (علل) را معرفی می‌کند:

- ۱- منابع خارجی تغییر در نظام ارزشی مثال ←: ایدئولوژیهای خارجی
- ۲- منابع داخلی تغییر در نظام ارزشی مثال ←: اندیشه‌های اصلاح داخلی
- ۳- منابع خارجی تغییر محیط مثال ←: انقلاب صنعتی
- ۴- منابع داخلی تغییر محیط مثال ←: رشد جمعیت (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۳۴).

هرچند در این نوشتار سخن از توسعه اجتماعی می‌رود، شایسته یادآوری هست که بسیاری از جامعه‌شناسان، توسعه در معنای اعم و توسعه اجتماعی در معنای اخص را معادل نوسازی می‌دانند. مدرنیزاسیون در میان جامعه‌شناسان توسعه‌ای واجد معانی نوسازی، متجدد کردن، امروزی کردن و حتی توسعه (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۳۷) است. در واقع رشته‌های مختلف علوم اجتماعی، هر کدام به یکی از جنبه‌های این فرآیند توجه دارند. هم‌چنین اقتصاددانان به کاربرد و استفاده از فن‌آوری نوین برای استفاده از منابع طبیعت به لحاظ افزایش بازده سرانه علاقه‌مند هستند. گرچه هر کدام از رشته‌های فوق کارکردهای پنهان و منفی نوسازی را نیز مد نظر دارند (وینر، ۱۹۵۲: ۲-۱).

پیتر ورسلی^۱ نوسازی را تمامی تغییراتی می‌داند که از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی، امر صنعتی شدن را در بسیاری از ممالک تمدن غربی همراهی کرده‌اند. شهرنشینی، تغییرات در ساختار اشتغال، جابجایی اجتماعی، توسعه آموزش و پرورش و نیز تغییرات سیاسی در وجه کنار نهادن نهادهای مطلق‌گرا و استبدادی و جایگزین شدن حکومت‌های مسئول و انتخابی و هم‌چنین تغییر نظام انحصارگرایی بخش خصوصی و جایگزینی آن با یک دولت رفاه متجدد (ورسلی، ۱۳۷۳: ۲۰). لرنر^۲ نیز نوسازی را «فرآیند تغییر اجتماعی به گونه‌ای که کشورهای کمتر توسعه‌یافته خصایص معرف جوامع توسعه‌یافته را کسب کنند» تعریف می‌کند (لهسایبی‌زاده، ۱۳۸۲: ۸-۷). اینکلس^۳ و اسمیت^۳ از دیدگاه روانشناسی اجتماعی «نوسازی را نوعی فرآیند اجتماعی - روانی دانسته‌اند که در طی آن افراد نگرش‌ها، ارزشها و عقاید مدرن را

^۱ - Peter worselly

^۲ - Lerner

^۳ - Inkeles

^۳ - Smith

کسب می‌کنند.» (از کیا، ۱۳۸۱: ۲۴). در فرآیند نوسازی یا توسعه اجتماعی، حصارها، تنگناها و محدودیت‌های جامعه سنتی فراتر از افراد (مورد توجه نوسازی روانی) شکسته شده و شاخص‌هایی چون میزان شهرنشینی، نرخ با سواد، گسترش وسایل ارتباط جمعی، صنعتی شدن، عقلایی شدن و عقلایی ساختن سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، عام شدن رفتارها، اکتسابی شدن موقعیت‌ها و مشارکت اجتماعی و ... افزایش می‌یابند.

در بحث نوسازی و تکامل جامعه، دیدگاه پارسونز هم در پارادایم کارکردگرایی نشان می‌دهد که ابتکار اساسی پارسونز درباره متغیرهای الگویی^۳ و تیپ‌شناسی جوامع بر مبنای تطور تدریجی و تاریخی است. این متغیرها نشان‌دهنده طبقه‌بندی‌ای هستند که اختلافات و تفاوت‌های بنیانی میان ارزش‌ها و کنش‌های افراد و جوامع سنتی و صنعتی را به تصویر می‌کشد. با استفاده از همین متغیرهای ساختی است که پارسونز سنخ‌شناسی جوامع را در گذار تاریخی آنها مشخص می‌کند. در واقع این گونه تیپولوژی حکایت از دیدگاه تطبیقی - تاریخی در تئوری پارسونز دارد. پارسونز در «نظریه سیستم‌ها» نظام کنش را متشکل از چهار جزء می‌داند که عبارت‌اند از: نظام فرهنگی، نظام اجتماعی، نظام روانی و نظام زیستی. وی برای این خرده‌سیستم‌ها، الگویی با عنوان آجیل AGIL معرفی می‌کند که برای حفظ و بقای یک سیستم اجتماعی لازمند و به کارکردهای هر سیستم در راستای بقای جامعه اشاره دارند. هر نظامی در هر سطحی برای تداوم حیاتش باید چهار پیش‌نیاز را برآورده کند که پارسونز آن را «پیش‌شرط‌های کارکردی» می‌نامد:

- ۱) انطباق‌پذیری (Adaptation)؛ هر نظامی باید با محیط خود انطباق پیدا کند.
- ۲) دستیابی به هدف (Goal Attainment)؛ هر نظامی باید وسایلی برای بسیج منابع خود داشته باشد تا بتواند به هدف‌های خود دست یابد و رضایت حاصل کند.
- ۳) یکپارچگی (Integration)؛ هر نظامی باید هماهنگی درونی اجزای خود را حفظ کند و شیوه‌های برخورد با انحراف را به وجود آورد؛ به عبارت دیگر باید خود را منسجم نگه دارد.
- ۴) حفظ انگاره (Latent Pattern Maintenance)؛ هر نظامی باید تا حد ممکن خود را در حالت تعادل نگه دارد.

هر یک از این کارکردها مربوط به یکی از نظام‌های اجتماعی است. سازگاری و انطباق با جهان مادی کارکرد نظام اقتصادی، تحقق اهداف در نظام اجتماعی کارکرد نظام سیاسی، یکپارچگی و حفظ نظم مرتبط با نظام حقوقی و قانونی و الگوی پنهان حفظ نظم و وظیفه نظام فرهنگی است. (ریتزر، ۱۳۹۴: ۳۸۹).

بر این اساس، نظام اجتماعی و اقتصادی مسجدسلیمان در مقطع تاریخی این پژوهش، هر چند خود در حالت بده - بستانی و تبادلی بودند، اما ورود عوامل خارجی یعنی صنعت نفت و فرهنگ خارجی، باعث اختلال در نظم طبیعی آن شدند. به عبارت دیگر، ورود عوامل خارجی یادشده، با رویکرد اشاعه‌ای - تبادلی بود که روی کارکردهای نظام اجتماعی - انتزاعی - تجربی مسجدسلیمان (مانند قشربندی اجتماعی و سلسله‌مراتب ناشی از آن، سبک زندگی و نحوه معیشت اهالی، تغییر در محاورات زندگی روزمره و گویش آنها و حتی بعداً آگاهی سیاسی و ورود کارمندان و کارگران صنعت نفت به حزب سیاسی) مؤثر واقع و در نتیجه، مصدر فرایند توسعه اجتماعی در این منطقه شد. صد البته چنان که

³ - pattern variables

پیشتر اشاره شد، چون قدرت تکنولوژیکی و هژمونی فرهنگی از آن حاملان صنعت نفت و فرهنگ وارداتی (انگلیسی-ها) بود، در تبادل مورد نظر، نظام فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مسجدسلیمان متأثر واقع شد.

روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش تحقیق تاریخی است و با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی، مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری شهر مسجدسلیمان و تأثیر صنعت نفت بر ساختار اجتماعی و فرهنگی آن را میان سال‌های ۱۲۸۰ تا ۱۳۱۲ ه.ش مورد تحلیل و تبیین قرار می‌دهد. شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است و تلاش شده تا منابع و اسناد موجود و مرتبط با موضوع مورد بررسی در حد امکان مورد استفاده قرار گیرد.

پرسش و فرضیه اصلی

پرسش اصلی این پژوهش به این شرح است:

- پیدایش صنعت نفت چه تأثیری بر توسعه‌ی اجتماعی مسجدسلیمان داشته است؟
- فرضیه‌ی مبنایی نیز این است که: «پیدایش صنعت نفت بر توسعه‌ی اجتماعی، تغییر معیشت و ورود واژگان خارجی به گویش مردم مسجدسلیمان تأثیر گذار بوده است».

پیشینه پژوهش

در خصوص نقش پیدایش صنعت نفت بر ساختار اجتماعی و فرهنگی مسجدسلیمان تحلیل چندانی صورت نگرفته است. تنها در کتاب «تاریخ مسجدسلیمان از روزگاران باستان تا امروز» اثر دانش عباس‌شهنی، اطلاعاتی در مورد تاریخچه نفت مسجدسلیمان و تغییرات اجتماعی حاصل از پیدایش آن بر این منطقه نفت‌خیز ارائه شده است. این کتاب به دلیل ثبت قسمتی از فرهنگ شفاهی آن منطقه شایان توجه است. با توجه به گستردگی مطالب کتاب و تلاش نگارنده برای طرح ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی موضوع، نکات قابل توجهی نیز در بیان ساختار شهری و تأثیرات پیدایش صنعت نفت بر روی شهر مسجدسلیمان طرح شده است. همچنین می‌توان از مقاله‌های اندکی نام برد که به صورت گذرا به این موضوع پرداخته‌اند: «شهرک‌های شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان؛ مطالعه‌ای درباره تاریخ شهرک‌نشینی (۱۹۵۱-۱۹۰۸)» اثر پولین لاولین دورتینگ؛ «تحول هویت اجتماعی، پیامد معماری و شهرسازی نوگرا در شهرهای نفتی خوزستان» اثر کاوه رستم‌پور و دیگران و «اوضاع مناطق نفت‌خیز ایران پس از کشف نفت و تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس» اثر محمد حسن‌نیا و هدی سلیمی.

پیشینه‌ی تاریخی نفت مسجدسلیمان

ایرانیان از دیرباز آتش را از عناصر مقدس می‌دانستند. آنها در مناطقی که گاز و نفت فوران داشت، شعله و آتش برمی‌افروختند و چون معتقد به مانایی و جاودانگی این عنصر مهم بودند، در مراکز اشتعال این دو ماده‌ی طبیعی و ناشناخته، آتش‌گاه بنا می‌کردند. تحقیقات نشان می‌دهند که در شهر مسجدسلیمان نیز یکی از این آتشکده‌ها بنا شده است (عباس‌شهنی، ۱۳۷۴: ۶۲-۶۱). به نظر می‌رسد علت برپایی آتشکده در این منطقه وجود روغن مقدس یا در واقع نشن گاز و نفتی بوده که از دل خاک می‌جوشیده و آتشکده‌های سرمسجد و بردنشانده را فروزان می‌کرده است. گیرشمن باستان‌شناس که کاوشهای گسترده‌ای در این منطقه داشته در خصوص صفه‌ی مقدس در مسجدسلیمان

معتقد است: «پارسیان که فرمان‌بردار دولت ایلام بودند، در کوه‌های بختیاری در صفت‌های خالی از سکنه پایگاه‌هایی را بنا کردند و ساکن شدند. از جمله‌ی این پایگاه‌ها که آثار آن یافت شده، مسجد سلیمان و بردن‌شاند است (گیرشمن، ۱۳۵۱: ۴۴). در واقع پارسیان در فاصله‌ی اواسط قرن هفتم تا اوایل قرن نهم پیش از میلاد از طریق زاگرس و کوه‌های بختیاری به جلگه‌ی خوزستان وارد شدند و پس از یکجانشینی، در منطقه‌ی مسجد سلیمان کنونی شهر تازه‌ای ساختند که به یاد سرزمین گذشته‌ی خود (در نزدیکی دریاچه‌ی ارومیه که پارسوا نامیده می‌شد)، آن را پارسوماش نامیدند (اطهاری، ۱۳۷۰: ۶۵). مسجد سلیمان در زمان ساسانیان رونقی به سزا داشته و دلیل توجه ساسانیان به آن، ناشی از قدمت و سکونت اقوام و پیشینیان در آن بوده است. (عباس‌شهنی، ۱۳۷۴: ۵۱). با ورود سپاه مسلمانان به خوزستان، شهر مسجد سلیمان و صفت‌های مقدس آن به کلی ویران شد. تاریخ دقیق ویرانی این شهر در منابع ذکر نشده، اما آنچه از نظر تاریخی متقن می‌نماید این که بعد از دوره‌ی هارون الرشید این منطقه‌ای متروکه بوده است. بعد از ویرانی پرستشگاه و نواحی مسکونی اطراف آن به علت خاموش شدن آتشکده، دلیل وجودی شهر نیز از بین رفت و تا قرن‌ها حیات شهری در آن جریان نداشت و منطقه به صورت چراگاهی برای عشایر کوچ‌رو و ایلات بختیاری درآمد.

برخی از پژوهشگران معتقدند سابقه‌ی تاریخی برپایی آتشکده‌های دائمی سرمسجد و بردن‌شاند و وجود روغن مقدس در منطقه، راهنما و نشانه‌ای برای اروپائیان بوده تا بتوانند نخستین چاه نفتی خاورمیانه را در این مکان کشف کنند. البته در برخی از منابع ذکر شده که پیش از ورود اروپائیان به این منطقه، خانواده‌ای موسوم به سادات قیری، نفت را با اصول اولیه استخراج می‌کردند و نفت سفید را در بازارهای تهران، اصفهان و نیز در شوشتر برای بازسازی بقعه‌ی هفت شهیدان می‌فروختند. در آن زمان نیز که نفت سفید چشمه‌های مسجد سلیمان که به صورت بدوی استخراج می‌شد (بدون آنکه تصفیه بشود)، در رقابت تنگاتنگی در تهران و نقاط شمالی ایران با روغن چاه‌های نفت بادکوبه بود (عباس‌شهنی، ۱۳۷۴: ۵۴).

هنگامی که لوفتوس، نخستین کارشناس نفتی، از منطقه‌ی مسجد سلیمان که آن زمان کوهستانی خالی از سکنه بود دیدن کرد حوضچه‌های نفتی آلوده به قیر آن را ارزیابی و عنوان کرد که احتمالاً مقادیر فراوانی از این مخازن در کوهستان‌های بختیاری، در فواصل بین آتشکده‌ی کهن (سرمسجد فعلی) و کوه آسماری (واقع در بین هفتگل و مسجد سلیمان) وجود دارد (عباس‌شهنی، ۱۳۷۴: ۶۶). بدین سان نخستین بارقه‌های مجدد ایجاد سکونت‌گاه انسانی از سال ۱۲۸۵ ش در مسجد سلیمان پدید آمد و شرکت حفاری نفتی موسوم به شرکت نفت ایران و انگلیس اقدام به ساخت چند ساختمان و یک کمپ در آن کرد در حالی که در آن زمان منطقه‌ی مورد بحث فقط شامل خرابه‌های آتشکده‌ی قدیمی و چراگاه گروهی دام‌های ایل بختیاری بود (افشارسیستانی، ۱۳۶۹: ۴۴۳؛ عباس‌شهنی، ۱۳۷۴: ۱۰۶).

بالاخره حفاری‌ها به نتیجه رسید و پنجم خرداد ۱۲۸۷ ش (شانزدهم مه ۱۹۰۸) چاه شماره یک نفت در میدان عظیم نفتون فوران کرد و نخستین چاه نفتی خاورمیانه کشف شد. پس از کشف نفت، توجه متصدیان شرکت نفت به مسجد سلیمان جلب شد و به آینده‌ی این منطقه امیدوار شدند و بلافاصله اقدام به ساختن راه‌ها و حفر چاه‌های دیگر کردند (افشارسیستانی، ۱۳۶۹: ۴۴۳). بنای هسته‌ی اولیه‌ی مسجد سلیمان در مساحتی حدود یک کیلومتر مربع با جمعیت ثابت ۲۰۰-۲۵۰ نفر به صورت یک کمپ گذاشته شد و به تدریج رو به توسعه نهاد (عباس‌شهنی، ۱۳۷۴: ۱۰۷).

تأثیر صنعت نفت بر زندگی مردم مسجده سلیمان

قرار گرفتن در طبقه‌ی کارگر و کارمند شرکت نفت و استفاده از مظاهر تمدنی مسکونی، رفاهی، آموزشی و بهداشتی آنها سبب وارد شدن شکل جدیدی از زندگی به جای زندگی سنتی سابق شد. این خدمات باعث تفکیک زندگی مردم به کار، سکونت و تفریح و ... به عنوان شعار رایج شهرسازان نوگرای آن زمان می‌شد. کار جدید به جای زمان حاکم بر جوامع سنتی یعنی زمان طبیعی، از زمان صنعت و جامعه‌ی صنعتی مدرن یعنی حرکت بر اساس حرکت عقربه‌های ساعت تبعیت می‌کرد و سکونت از چادرنشینی با خانه‌های سنتی به خانه‌های ویلایی و ردیفی با امکانات نوین منتقل شد که فضاهای این خانه‌ها عموماً فضاهایی نبودند که برای زندگی ایلی مناسب باشند (باور، ۱۳۹۰: ۹۳). اوقات فراغت نیز در مکان‌هایی چون استخر، سینما و باشگاه‌های شبانه می‌گذشت که قبلاً در هیچ کجای ایران برای آن مشابهی وجود نداشت. سنت‌ها دیگر نه به عنوان بخشی جاری در زندگی روزانه بلکه بخش‌هایی سطحی از آن تنها به عنوان رسوم زندگی مردم به چشم می‌خورد.

به تبع ورود تمدن جدید و نقش آن در زندگی مردم، محیط انسانی و طبیعی نیز دستخوش تحول قرار گرفت. به جای کوچ‌های همراه با مشقت به مناطق بیلاقی و برعکس، طبیعت دلخواه به مدد فناوری در مناطقی سوزان ایجاد می‌شد که نتیجه‌ی آن تبدیل شهرهای نفتی به مناطق سرسبز بود.

به دلیل آنکه انتخاب محل این شهرها برخلاف شهرهای سنتی تنها برپایه‌ی مکان‌یابی صنعتی بود (دورتینگ، ۱۳۸۲: ۲۰۱) هم‌نوایی با طبیعت به تسخیر آن بدل شد. هویت قومی و نژادی جای خود را به هویت مبتنی بر طبقه‌ی اجتماعی داد و اصولاً ویژگی هویت تازه عدم وابستگی به قوم، قبیله و شهر و ولایت مبدأ مهاجرین بود (جعفری، ۱۳۸۳: ۲۸). بنابراین روابط اجتماعی به صورت مهندسی اجتماعی نوین تحت تأثیر موقعیت شغلی ایجاد می‌شد و پیشینه و گذشته‌ی تاریخی هیچ‌گونه مزیتی نداشت، بلکه سابقه‌ی شغلی و رتبه‌ی کارمندی ارزش هر فرد و خانواده‌ی او را معین می‌کرد. از این رو تغییرات چشم‌گیری در هویت سکنه و مهاجرین به این مناطق رخ داد. این دگرذیسی مهم همان چیزی است که دورکیم آن را گذار از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی؛ اسپنسر گذار از جامعه‌ی جنگجو به جامعه‌ی صنعتی؛ تونیس گذار از کمینشافت به گزلفشافت و پارسونز گذار از اجتماع به جامعه معرفی کرده‌اند. نتیجه‌ی این گذار، در واقع همان توسعه‌ی اجتماعی است که به تعبیر پارسونز، به جای هویت انتسابی افراد بر هویت اکتسابی و دست‌آوردی آنها تأکید می‌کند.

عمده‌ی این تغییرات در بخش‌های آشکار هویت به وقوع پیوست و به آرامی در بخش‌های پنهان هویت‌ساز نیز نفوذ کرد. هرچند که اولویت شرکت نفت بر اساس فرهنگ کار به جای فرهنگ زندگی بود، سرانجام به واسطه‌ی شکل زندگی، فضاهای فرهنگی و اجتماعی و آموزشی نوین، توسعه‌ی اجتماعی و نفوذ در لایه‌ی فرهنگ نیز اتفاق افتاد. به دلیل اینکه کار، پایه‌ی تشکیل همه چیز بود، در سالهای ابتدایی تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس، اتحادیه‌های کارگری شکل گرفتند و در سال‌های بعد، منطقه شاهد پیدایش قشر روشنفکر، نویسندگان و هنرمندان در شهرهای نفتی از جمله مسجده سلیمان و آبادان گردید که همگی منادیان تثبیت هویت جدید در این شهرها بودند، هویتی که وام‌گیری از فرهنگ غرب را حتی در بسیاری از واژه‌های زبان مادری خود حس می‌کرد. این تغییرات را می‌توان بر اساس تئوری

رابرت مرتن (جامعه شناس کارکردگرای آمریکایی) تحلیل کرد. بر اساس این تئوری، کارکردهای آشکار آن‌هایی اند که با قصد قبلی صورت می‌گیرند، در حالی که کارکردهای پنهان بدون قصد قبلی انجام می‌گیرند. هرچند با توجه این تحلیل، کشف نفت را می‌توان از کارکردهای آشکار و مثبت نوسازی در ایران در نظر گرفت، اما دیگر پیامدهای این کشف مانند قشربندی جدید در میان ساکنین منطقه، اشاعه زبان انگلیسی در میان مردم، تغییرات سریع در امور معیشتی و درآمد کارکنان و کارگران شرکت نفت، یکجانشین کردن بخشی از ایلات و عشایر کوچ‌روی خوزستانی و در زمره کارکردهای پنهانی است که مرتن مد نظر دارد. گیدنز به تعبیری دیگر تمایز کارکرد آشکار و پنهان را از دید مرتن چنین بیان می‌دارد: کارکرد آشکار کارکردهایی هستند که برای شرکت‌کنندگان در نوع ویژه‌ای از فعالیت اجتماعی شناخته شده و مورد انتظار است. کارکردهای پنهان نتایج آن فعالیت هستند که شرکت‌کنندگان از آن آگاه نیستند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۴۴۶).

لذا می‌توان تحول هویت و ایجاد هویت شرکتی را چنین تشریح کرد: به دلیل ضعف دولت مرکزی، شرکت نفت توانست پس از تعامل با خوانین و شیوخ، خود را به عنوان رهبر و برنامه‌ریز (سیاست) در منطقه مطرح کند. با ورود فناوری و خدمات نوین زندگی (تمدن) به منطقه، بخش عمده‌ای از جامعه‌ی روستایی و عشایری آن به خدمت شرکت نفت درآمدند که آشنایی اولیه‌ی ایشان و سپس استفاده از خدمات رفاهی و مسکونی انگلیسی‌ها، به تغییر رفتارها و شکل زندگی گذشته (سنت) و پس از آن تحول ارتباطات اجتماعی، ارتباط با طبیعت، اولویت طبقه‌ی شغلی بر قومیت و گذشته‌ی تاریخی (محیط) منجر شد. هم‌چنین توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی و ورزشی باعث ایجاد طبقات فرهنگی و روشنفکر در جامعه‌ی جدید شد و توانست هویتی مستقل ایجاد کند که فرهنگ آن از یک سو با تمدن نوین در تماس بود و از گذشته‌ی خود، دین و برخی آداب و رسوم را حفظ کرده بودند.

هم‌زمان با اکتشافات نفت در خوزستان و نیز آغاز فعالیتهای شرکت نفت ایران و انگلیس پدیده‌ی وام‌گیری واژگانی، به صورتی بسیار عمیق و گسترده در مناطق نفت خیز شکل گرفت. از آنجا که تأسیسات، همه مدرن بودند و برای ابزار و آلات معادل فارسی وجود نداشت، ایرانیان مجبور بودند همان کلمات خارجی را که انگلیسی‌ها به کار می‌بردند، استفاده کنند تا بتوانند با رؤسای خارجی ارتباط برقرار کنند. هم‌چنین ایرانیان برای این که بتوانند موقعیت بهتری را در سیستم به دست آورند سعی می‌کردند تماس نزدیکی با انگلیسی‌ها داشته باشند. در نتیجه می‌بایستی نشان می‌دادند که زبان انگلیسی را می‌توانند بهتر استفاده کنند. به تدریج، به کارگیری این زبان حتی در گفت و گوهای روزانه خارج از محیط کار نیز رواج یافت. به کارگیری و یادگیری زبان انگلیسی یکی از لوازم ارتقاء شغلی نیز بود. بنابراین سیل ورود واژه‌های انگلیسی و استفاده از آن در زندگی روزمره به راه افتاد.

همه‌ی این عوامل باعث شد که افراد در یادگیری و به کارگیری زبان انگلیسی از یکدیگر پیشی بگیرند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۱۱). رواج زبان انگلیسی بین کارکنان انگلیسی و بعضی کارکنان ایرانی باعث شد که به مرور

بعضی واژگان انگلیسی در گویش روزانه مردم معمول شود. کلماتی مانند گِلاس^۱ به معنی لیوان، مکینه^۲ به معنی ماشین اصلاح- آسیاب، وایر^۳ به معنی سیم برق، آفیس^۴ به معنی اداره، لین^۵ به معنی ردیف و کوچه از کلماتی هستند که هنوز هم در میان مردم رواج دارند (علم، ۱۳۸۶: ۱۶۸).

سرانجام، اقدامات و امکانات شرکت میان کارکنان و کارگزارانش، به مرور باعث تبعیض میان کارکنان شد. این تبعیض‌ها در مواردی منجر به اعتصابات نیز می‌شد. نمونه‌های فراوانی از اعتصابات کارگران ایرانی نسبت به سیاستهای شرکت نفت وجود دارد. از جمله به اعتصابات سالهای ۱۳۰۰ و ۱۳۰۸ و ۱۳۲۸ ش. و نیز در سال ۱۳۲۹ ش. که هم‌زمان با ملی شدن نفت در مناطق نفت خیز صورت گرفت، می‌توان اشاره کرد. اعتصابات ۱۳۰۰ ش. و ۱۳۰۸ ش. و هم‌چنین ۱۳۲۵ ش. برای افزایش دستمزد و مسکن و امکانات بهداشتی صورت گرفت. در اعتصابات سال ۱۳۲۵ ش. و ۱۳۲۹ ش. علاوه بر اعتراض به وضعیت معیشتی، کارگران به امور اداری شرکت نیز اعتراض شد و کارگران از آن اعتصابات خواهان عدم دخالت شرکت نفت در امور سیاسی و داخلی ایران شدند. (کاشانی، ۱۳۹۱: ۷۶ و ۹۴)

ساخت مدارس

فراهم کردن زمینه آموزش برای رفع نیازها و ایجاد مدارس نیز از عوامل موثر بر بافت اجتماعی مناطق نفتی بود که به گسترش تغییرات اجتماعی در مناطق نفت خیز منجر شد. بنابراین ساخت مدارس در حوزه‌ی عملیات شرکت نیز از دیگر اقداماتی بود که در جهت توسعه و گسترش عملیات اکتشافی شرکت صورت گرفت. شرکت نفت ایران و انگلیس تا جنگ جهانی اول مدارس را تحت نظر داشت ولی پس از خاتمه جنگ آن را به کارگران ایرانی محول کرد. (سالنامه فرهنگ خوزستان، ۱۳۳۳: ۵۱ و ۵۶) رونق و گسترش مدارس شرکت نفت از زمانی شروع شد که بعد از قرارداد ۱۳۱۲/۱۹۳۳ ش. طراحی هشت ساله از طرف مدارس وزارت دارایی به شرکت داده شد که شرکت ناچار شد آن را قبول کند. طی این طرح شرکت موظف بود که در ساخت تعدادی مدرسه، آموزشگاه فنی و حرفه‌ای ساخت دانشکده فنی، خانه‌سازی و توسعه بهداشت کمک مالی کند. (طرفی، ۱۳۸۳: ۴۳۲).

بعد از این طرح وضع بهداشت و فرهنگ شرکت در حوزه‌های عملیاتی خویش بهتر از قبل شد طبق اسنادی که بعد منتشر شد، شرکت در سال ۱۳۱۳ ش. کمک هزینه‌ای به مبلغ ۱۳۰۰۰ ریال برای تجهیز مدارس که در حوزه‌ی عملیات شرکت بودند پرداخت کرد (ساکما، ۲۴۰/۶۸). شرکت نفت تأکید داشت که منظور از مدارس مورد نظر شرکت، مدارس عادی ابتدایی و متوسط است که در نواحی عملیات شرکت تأسیس شده بودند (ساکما، ۲۴۰/۶۸) شرکت در سندی در ۱۳۱۳ ش. هدفش را از تأسیس مدارس در خوزستان دو عامل مهم ذکر کرده است الف: تهیه کارکنان آزموده‌ی جدید برای اداره امور شرکت ب: ایجاد مؤسسه‌های معارفی در خود مراکز عملیاتی برای تربیت کودکان کارکنان ایرانی تا بتواند به این وسیله اعضای لایق را در خدمت شرکت نگاه دارد. شرکت از همان آغاز که بودجه‌ای را به مدارس اختصاص داده بود طی تلگرافی از آقای داور وزیر مالیه‌ی وقت تقاضا کرده بود که حقوق

^۱Glass
^۲makineh
^۳voyer
^۴office
^۵line

بیشتری به معلمانی که در مراکز عملیات شرکت هستند داده شود، البته شرکت این امر را نیز یادآور شد که تعهدی ندارد که به معارف مراکز مهم عملیاتی یا معارف خوزستان اعانه بدهد ولی می تواند مساعدت مالی را در این زمینه انجام دهد (ساکما، ۲۴۰/۶۸)

در دوره ی رضاشاه تا جنگ جهانی دوم همواره جدال و چانه زنی بین دولت مرکزی شرکت نفت وجود داشت. جدال بر سر هزینه مدارس و مواد آموزشی وجود داشت آموزش و پرورش حاضر نبود این هزینه ها را تقبل کند و از طرفی شرکت نیز معتقد بود که یک شرکت تجاری است و تعلیم و تربیت دانش آموزان بر عهده ی آن شرکت نیست ولی بعدها شرکت برای حفظ منافع خودش مجبور شد این هزینه ها را تقبل کند (کتاب خوزستان ۱۳۸۱:۳۲) امکانات و تسهیلات رفاهی برای کارکنان نیز از دیگر خدمات شرکت در راستای عملیات اکتشاف خویش بود به گفته ی نویسنده ی کتاب رئیس نفت ((از بازی های تنیس، گلف و فوتبال تا تیراندازی، اسکواش، قایق سواری، بریج، عکاسی، نقاشی و تئاتر و پارتی های شبانه همه در دسترس بودند با این تفاوت که دسترسی به این نوع تفریحات در انگلستان مستلزم پیمودن بعد مسافتی زیادی بود)) (یعقوبی نژاد، ۱۳۷۲:۲۷۳)

شرکت نفت ایران و انگلیس در مناطق نفت خیز باشگاه هایی مجهز به اتاق استراحت، اتاق بیلارد، اتاق مطالعه، معمولاً سالن رقص، سکوی نمایش و اتاق تعویض لباس نیز برای کارکنان به خصوص اروپائیان ساخت (عباس-شهنی، ۱۳۸۲:۱۶۸). با این حال عضویت باشگاه های عمده ی شرکت، حق رفتن به سینما، سوار شدن اتوبوس های خصوصی و استفاده از مغازه های شرکت که کالاهای اروپایی داشت، استفاده از زمین های ورزشی و استخرهای شنا فقط اختصاص به انگلیسی ها و محدودی از ایرانیان عالی رتبه داشت (فاتح، ۱۳۸۴:۴۵۵).

صنعت نفت و تحول جمعیتی در مسجد سلیمان

یکی از بارزترین وجوه توسعه اجتماعی در مسجد سلیمان تحت تأثیر پیدایش و توسعه صنعت نفت را می توان در بافت جمعیتی و تغییراتی که در این منطقه رخ داد مشاهده کرد. از بدو استخراج نفت و پیدایش زمینه فعالیت در صنعت نفت، جمعیت این شهر نفتی به سرعت افزایش یافت. گسترش فعالیت و عملیات شرکت نفت و احتیاج به کادر فنی و اداری و با ایجاد شبکه های لوله نفت، گاز، آب و نیروی الکتریسته سبب شد که مردم از گوشه و کنار ایران به این شهر روی آورند، ایجاد مدرسه فنی، دبستان، دبیرستان و تأسیس مراکز بهداشتی و درمانی سبب شد که بسیاری از بختیاری های مقیم نواحی مجاور به مسجد سلیمان کوچ کنند (عباس شهنی، ۱۳۷۴:۲۴۱).

کشف نفت در سال ۱۹۰۸م/۱۲۷۸ش در مسجد سلیمان، موجب تأسیس پالایشگاه های نفتی، احداث شهرک هایی متفاوت با بافت معمول شهرهای سنتی ایران در منطقه مسجد سلیمان و آبادان و همچنین استخدام عشایر و روستائیان به عنوان کارگر در مجموع وسیع صنعت نفت شد. در آغاز کار، شرکت نفت می کوشید خوانین و کدخداها را متقاعد کند تا شماری از عشایر و روستائیان منطقه را به استخدام فصلی و مقطعی در آورد؛ اما، با وابستگی صنایع جهان غرب به نفت و توسعه فعالیت صنایع نفتی، لازم آمد تعداد کارگران متخصص و غیر متخصص در شرکت نفت ایران و انگلیس افزایش یابد. (Mcintyre.V2,NO.6,P11).

تلاش شرکت نفت ایران و انگلیس برای تامین نیروی انسانی مورد نیاز صنعت نفت، موجب سیل مهاجرت به این منطقه شد. تفاوت های فرهنگی و قومی مهاجران سبب شد تا فرهنگی جدید و مختلط در سال هایی اندک جایگزین فرهنگ بومی عشایر لر و عرب شود. سکونت آنان در شهرک های جدید و آشنایی با تمدن اروپایی نیز مشکلات و پیامدهای خاص خود را داشت. در این سال ها مسکن و شهرسازی، آگاهی سیاسی کارگران و کسبه و ایستادگی در مقابل زیاده خواهی ها و منس استعماری شرکت نفت آشنایی با بهداشت و درمان به سبک غربی و جایگزینی آن با طب سنتی، استقبال از شیوه های جدید آموزشی و تلاش برای یادگیری حرفه ای کار و بسیاری یافته ها و دگرگونی ها در کنار رشد صنعت نفت در منطقه نفتی ایجاد شد. انگیزه هایی که موجب مهاجرت مردم از شهرها و روستاهای ایالات دیگر به مناطق نفتی شد از جمله فرار از قحطی و ناامنی در ایالات دیگر ایران و به دست آوردن شغل و درآمد ثابت، عامل مهم در مهاجرت مردم از سرزمین های مادری به ایالتی نا آشنا و بد آب و هوا بود. جذب عشایر به سکونت در شهرهای نفتی نیز علل مختلفی داشت. توسعه صنعت نفت به جابه جایی جمعیت، افزایش جمعیت، تغییر مشاغل و شکل گیری قشر کارگر صنعتی در مناطق نفت خیز جنوب ایران انجامید. وجود ناامنی و بی ثباتی سیاسی و اقتصادی در ایران مقارن با دوره تاریخی استبداد صغیر و قحطی های مکرر در مناطق مختلف نیز تأثیر بسزایی در انتخاب گزینه مهاجرت به سرزمین گرم و غریب خوزستان داشت. جمعیت مهاجران داخلی و خارجی که در این سال ها به خوزستان وارد شدند به لحاظ دینی، قومی، ملیت، معیشت، زبان، فرهنگ و بسیار ویژگی های دیگر با هم متفاوت بودند. این چیزی بیش از یک جابه جایی جمعیت بود با اطمینان می توان گفت: زندگی و بود و باش آنان تغییر کرد. (معتقدی، ۱۳۹۲: ۱۳۴)

در چنین اوضاع و احوالی امنیت ایجاد شده توسط شرکت نفت ایران و انگلیس در مناطق نفتی نیز در مهاجرت به خوزستان تأثیر گذار بوده است. ویلسون در این باره می نویسد:

((اوضاع سیاسی ایران در تمام سال ۱۹۱۰ به مراتب وخیم تر از سال قبل بود و با این وجود این جای مسرت است که امنیت و آرامش خوزستان مثل سایر نقاط ایران دستخوش هرج و مرج نگردید و اعضای شرکت در یک محیط عادی و آرام به انجام وظایف خود توفیق حاصل نمود)) (ویلسون، ۱۳۶۳: ۱۶۴).

شایان ذکر است در کنار عامل هرج و مرج و ناامنی در اواخر دوران قاجار، طبیعت نیز با اوضاع سیاسی هم داستان شده و فشار بر مردم را دو چندان کرده بود. در این سال ها به دفعات خطه های مختلف این سرزمین دچار آفات و بلایای طبیعی شده؛ حوادثی که نمی توانست بر ایجاد انگیزه برای مهاجرت بی تأثیر باشد. بروز قحطی در لرستان و تأمین غله از عراق (ساکما: ۱۳/۷۶۹۱، ۲۴۰-۱) قحطی در قزوین (ساکما: ۲۹۳/۲۱۹)، بروز قحطی و خشکسالی در استرآباد (ساکما: ۲۴۰/۱۸۶۲۸)، کردستان (ساکما: ۲۹۶/۵۲۱۳) و ملایر (ساکما: ۲۴۰/۲۳۳۶) در سال ۱۹۱۲م از این جمله اند. همچنین، در اصفهان به علت قحطی و کمیابی نان، عده ای از زنان دست به تظاهرات زده و به عمارت بلدیة حمله کرده، پس از غارت اموال، رئیس بلدیة را به قتل رسانده و جسد او را در میدان شاه آویزان کردند (عاقلی، ۱۳۶۹: ۵۵/۱). بنابراین عجیب نیست که تعداد بسیاری از کارگران و کسبه مناطق نفتی مسجد سلیمان و آبادان، مهاجران اصفهانی بودند. چارلز عیسوی در این باره می نویسد:

((در روستاهای اطراف اصفهان درصد زیادی از روستائیان بدون زمین بودند در این روستاها نیروی غیر ماهر صنعت نفت جنوب را عرضه می کردند...)) بیشتر از ۱۵۰۰ نفر از کارگران شرکت نفت متعلق به ناحیه اصفهان بودند (عیسوی، ۱۳۶۹:۷۳).

بنابراین، منطقه نفت خیز جنوب در زمانی که تمام کشور دستخوش بلوا و قحطی ها بود، مأمی شد برای کسانی که آماده بودند تن به کاری سخت در هوایی سوزان بدهند، اما قحطی و ناامنی را دوباره تجربه نکنند.

جدول سیر تحولات تاریخی و جمعیتی مسجد سلیمان

مقطع زمانی (هجری)	پدیده	علت وجودی شهر	آثار جمعیتی و کالبدی
پیش از اسلام	کشف روغن مقدس دائمی (نفت)	مذهبی (آتشکده)	- گردهمایی سکنه و پدید آمدن شهر در جغرافیای طبیعی نامساعد
پس از اسلام (بعد از دوره هارون الرشید)	خاموش شدن آتشکده	-	- خالی شدن از سکنه - ویران شدن شهر
سال ۵۱۲۸۲ ش	کشف نفت	نفت	- گردهمایی دوباره جمعیت - راه اندازی کمپ ها و باشگاه کارگران - طراحی محلات مجزای کارگری، کارمندی و مدیران (جدایی طبقات اجتماعی)
۱۳۲۰-۵۱۳۰۰ ش	توسعه شهر نفتی	- نفت؛ - نقش های جانبی نظیر بخش خدمات و درمان	- توسعه جمعیتی با سرعت بالا - توسعه نقش های جانبی - شکل گیری محلات متناسب با نقش ها - شکل گیری عناصر شهری مدرن برای اولین بار در ایران

منبع (صفایی و دیگران، ۱۳۹۱:۱۱۰)

بهداشت و درمان

از دیگر وجوه بارز تأثیرات و تغییرات کشف نفت و آثار آن در مسجد سلیمان را می توان در حوزه بهداشت و درمان ذکر کرد یکی از حوزه هایی که به نظر می رسد بیشترین میزان تغییر و تحول را تحت تأثیر کشف نفت تجربه نمود. در سال های ابتدایی کار شرکت نفت در حوزه جغرافیایی جنوب غرب ایران، تیم پزشکی شرکت نفت به عموم مراجعه کنندگان اعم از مستخدمان آن شرکت یا غیرمستخدمان، سرویس و خدمات درمانی ارائه می کرد. اگرچه این خدمات بیشتر برای جلب توجه و همکاری مردم نسبت به اروپاییان و خارجیان مهاجر بود، اما نمی توان منکر تأثیر آن در بهبود کیفیت زندگی مردم بومی شد. اینان که اغلب پذیرش بیگانگان را نداشتند و در موارد متعدد با آنان درگیر شده، یا اموالشان را بارها به سرقت برده بودند و از کار کردن برای آنان امتناع می ورزیدند، با برقراری ارتباط نزدیک تر و دریافت خدماتی درمانی و بهداشتی، قدرشناسانه سعی در جبران این زحمت داشته و محبت ویژه ای نسبت به کارکنان و رؤسای شرکت نفت پیدا می کردند. (راسخی لنگرودی، ۱۳۸۵:۱۳۵)

این تجربه ای بود که در اغلب مستعمرات از آن بهره گرفته شده و در ایران نیز به خوبی نتیجه داد. همچنین کمی بعدتر با توجه به افزایش نیروی کار در شرکت و خطر آفرینی نوع کارگران و مخاطرات فراوانی که آنان را تهدید می کرد، ضرورت وجود مراکز درمانی کاملاً روشن شد. بنابراین خدمات رسانی به مستخدمان آسیب دیده تأسیسات نفتی به عنوان انگیزه ایجاد بیمارستان ها در اولویت جدی قرار گرفت. تا پیش از این تاریخ نه این همه نیروی انسانی در منطقه خوزستان یکجا جمع شده بودند و نه این همه خطرات و آسیب دیدگی در میان مردم یک منطقه معمول بود. عشایر و مردمان محلی نیز به شیوه های سنتی و از طریق طب گیاهی تا حدودی مشکلات و بیماری های موجود را درمان می کردند اما حوادث بی شماری که در ارتباط با کار نفت برای کارگران پیش می آمد، آنقدر فراوان و جدی بود که پیش بینی محلی درمان و وجود پزشکان متبحر برای رسیدگی به آن غیرقابل اجتناب بود. مشکلات از قبیل قطع عضو، سوختگی های شدید، خرد شدن در زیر بار ابزارها و لوازم سنگین حفاری و لوله های نفتی و... از معمول ترین حوادث بود که می توانست سبب اعزام کارگران به بیمارستان شود. نخستین بیمارستان در مناطق نفت خیز در سال ۱۹۱۴م / ۱۲۹۳ش توسط فردی به نام ((ام. وی. یانگ^۱)) در مسجدسلیمان تأسیس شد. دکتر یانگ، ابتدا رییس کل اداره تامینه شرکت در مسجدسلیمان بود که در بین انگلیسی ها به ((مأمور سیاسی)) لقب داشت. بیمارستان مسجدسلیمان مدتهای مدیدی تنها بیمارستان مناطق نفت خیز به شمار می آمد و به سایر مناطق نفتخیز خوزستان خدمات درمانی ارائه می نمود. (سرداری پور، ۱۳۸۷: ۷۷)

با توجه به اتفاقات یادشده بعد از پیدایش صنعت نفت در مسجدسلیمان باعث تغییر تدریجی و ایجاد هویتی جدید به نام ((شرکتی)) در این شهرها شد. در آغاز شاهد تقابل دو هویت کاملاً نامتوازن در شهرک نفتی مسجدسلیمان هستیم، یعنی هویت بیگانه در مقابل هویت جامعه ای که مردمانش هنوز بسیار سنتی، روستایی، ساده، بی پیرایه و در برخی نقاط چادر نشین بود. (دورتینگ، ۱۳۸۲: ۱۹۹).

در این دوره تنها از نیروی کار کارگران ایرانی در مشاغل پست و اولیه استفاده می شد و این گروه سهمی در استفاده از خدمات زندگی انگلیسی نداشتند، چرا که حوزه سیاست (برنامه ریزی و رهبری) به کلی در اختیار انگلیسی ها قرار داشت. در گام بعدی که تا حدودی کارگران و کارمندان ارشد ایرانی سهمی در مسکن و خدمات نوین آن یافتند، تحول هویت با رسوخ تمدن پیشرفته و وارداتی غرب در تمدن بدوی منطقه اتفاق افتاد. این تمدن باعث هنجارهای جدید و تغییر در شکل زندگی مردم شد و روابط سنتی اجتماعی از هم گسیخت و مردم با هر نژاد و قومیتی مشروط بر آنکه تابع قوانین شرکت باشند در طبقه ی کارگر شرکت قرار می گرفتند. فناوری باعث مقابله با شرایط نامطلوب طبیعت و تسلط بر آن می شد، یعنی تمدن که باید برآمده از فرهنگ جامعه و متناسب با هنجارها و شیوهی زندگی مردم و نتیجهی سیاست گذاری متولیان آن جامعه باشد، در حرکتی معکوس باعث تغییر در شکل زندگی مردم و عناصر محیطی جامعه و در نهایت تغییر فرهنگ شد. با توجه به اینکه در پایان این دوره شرکت نفت نزدیک به هشتاد هزار نیروی کار ایرانی را در استخدام خود داشت می توان به تأثیر عظیم این جریان بر مردم منطقه پی برد (احسانی، ۱۳۷۸: ۱۲). همان گونه که پالایشگاه و چاه های نفت نیروی کار را تربیت می کرد، زندگی در شرکت

شهرها و مناطق مسکونی و تفریحی آن علاوه بر اسکان خانواده های آنها، وظیفه اجتماعی کردن و نوعی نظارت پنهان را برعهده داشت. شایان ذکر است دوره تثبیت این هویت جدید، کمتر از نیم قرن به طول انجامید. باخروج نیروهای بیگانه، ایرانی ها زمام امور نفت را در دست گرفتند و نیروی کار ایرانی جای خارجی ها را گرفت. لیکن همان گزارش ها و سیاست گذاری های قبلی ادامه یافت؛ مسکن کارگری و نیز شهرهای نفتی به شدت توسعه یافتند و هویت جدید به صورت کاملاً جاافتاده ولی متفاوت با سایر بخش های شهر درآمد و این شهرها را تبدیل به شهرهایی دوگانه ساخت (احسانی، ۱۳۷۸: ۲۲).

تأثیر پیدایش صنعت نفت در تغییر نوع معیشت مردم

در سال های آغازین واگذاری امتیاز نفت به کمپانی دارسی نیروی کار در حوزه های نفتی برای مسئولان کمپانی بسیار سخت بود. افراد روستایی نخستین گزینه های انتخابی بودند که گاه حاضر به همکاری با کمپانی در ماماتین و حوزه نفت مسجدسلیمان می شدند. اما، اغلب با فرارسیدن فصل برداشت، کار را رها کرده و به روستا بر می گشتند. مردم شهرهای خوزستان، در اثر تغییر شیوه معیشت، که به واسطه نفت و وجود شرکت نفت در خوزستان روی داده بود، شهرهای آباد خویش را رها کرده و به دور کارخانه ها و چاه های نفت جمع شدند. با اکتشاف نفت فرصت اشتغال در منطقه فراهم شد، ولی زمانی که زارعان و باغداران خوزستان مزارع و باغ های خود را رها کردند و به طرف میدان های نفتی سرازیر شدند، از میزان تولید محصولات کشاورزی کاسته شد. این افراد با رها کردن شغل کشاورزی، کارهای پست و سنگین انجام می دادند.

کشاورزان و صنعت گران اصفهانی، چهارمحالی و یزدی با قاطر از راه ایذه و مال میر به مسجدسلیمان می آمدند و کشاورزی و صنعتکاری را رها می کردند تا در شرکت به شغل فراشی و کارگرساده استخدام شوند، ولی این افراد ناخودآگاه تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفتند (یعقوبی نژاد، ۱۳۷۲: ۳۰۲). در سالهای قبل از اکتشاف نفت، جامعه ی خوزستان جامعه سنتی بود که شیوه ی معیشت اهالی شهرها و روستاهای آن برپایه کشاورزی، یکجانشینی و کوچ نشینی بود و با شروع عملیات حفاری به تدریج مردم به سمت فعالیت های حفاری نفت رو می آوردند. با شروع عملیات حفاری در مناطق نفت خیز و روی آوردن مردم به تأسیسات نفتی در نوع اشتغال مردم منطقه تغییر اساسی ایجاد شد. بدین ترتیب، مردم منطقه که فعالیت های شان حول محور کشاورزی و دامپروری می چرخید، کار خویش را رها کردند و به کار جدیدی رو می آوردند. اکتشاف نفت فرصت های شغلی فراوانی ایجاد کرد و با پر حجم شدن عملیات نفتی و افزایش سطح تولید و توزیع درآمد ناشی از مشاغل نفتی، فعالیت های اقتصادی دیگری همچون کشاورزی کم رنگ شد (علم، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

در ابتدای فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس، کارمند ایرانی وجود نداشت و فقط از خوانین محلی و شیوخ برای آرام گردانیدن مردم استفاده می شد و با پرداخت مبالغ بالا به خوانین و شیوخ سعی در آرام گردانیدن مردم داشت، ولی با افزایش تشکیلات شرکت احتیاج به کارگران و کارمندان ایرانی افزایش یافت و برای این کار ابتدا شروع به استخدام با سوادان محلی کرده که می توانستند بنویسند و بخوانند و استعداد یاد گرفتن زبان انگلیسی را داشتند اما شرایط استخدام آنها به هیچ وجه با شرایط استخدام کارمندان انگلیسی منطبق نبود و ایرانیان با سواد از کارمندان درجه دوم شرکت

محسوب می شدند (افشین، ۱۳۳۳: ۱۲۳). کلیه کارکنان فنی، اداری و بازرگانی شرکت که مشاغل عمده و مسئولیت اداری داشتند، انگلیسی و کلیه کارمندان دفتری و عموم کارگران فنی و حتی آشپزخانه و پیشخدمت ها هندی و پاکستانی بودند و فقط کارهای غیر فنی به ایرانیان محول شده بود. تنها کارگران فنی ایرانی عبارت بودند از یک عده بنا و نجار و عده معدودی که زیر دست هندی ها و انگلیسی ها کارهای فنی آموخته بودند. معدودی از ایرانیان هم به عنوان منشی و میرزا استخدام شده بودند که کمی انگلیسی می دانستند (فاتح، ۱۳۸۴: ۴۲۸). از کارگران ساده برای عملیات جاده سازی، حمل و نقل به وسیله قاطر و الاغ، حمل ماشین آلات و مواد گوناگون و نصب وسایل حفاری استفاده می کردند. بعضی ها که در اطراف کشور دانش مهندسی کسب کرده بودند به وسیله مهندسان اروپایی آموزش تخصصی بیشتری کسب کردند (عباسی شهنی، ۱۳۸۲: ۱۶۳).

به نظر می رسد با گسترش فعالیتهای نفتی در خوزستان، بازارهای شهری نیز رونق یافت. بازار در این رهگذر به محلی برای رفع نیازمندی های کارگران و کارمندان تبدیل شد. حقوقی که به کارگران پرداخت می شد هر دو هفته یک بار و با دریافت چتی^۱ (کارت کوچکی که مبلغ حقوق بر روی آن درج شده بود) بین کارگران توزیع می شد. وقتی که شرکت تصمیم می گرفت مبلغی به دستمزد کارگران اضافه کند بازاریان از این امر خوشحال می شدند که کارگران بک پی^۲ (مقدار پولی که از تاریخ تصویب اضافه دستمزد تا تاریخ پرداخت عملی آن به کارگران پرداخت می شد) حقوق خود را خرید خواهند کرد (وزیری، ۱۳۸۰: ۲۷۷) البته شرکت نفت ایران و انگلیس در مراکز عمده خود مغازه هایی داشت که کلیه مایحتاج کارمندان را از خارج وارد می کرد و تا زمان عقد قرارداد (۱۳۱۲ ه.ش) کالاهایی که در این مغازه ها به فروش می رسید، به کارمندان انگلیسی اختصاص داشت، ولی بعد از قرارداد ۱۹۳۳ شرایط تا حدودی بهتر از قبل برای کارکنان ایرانی در نظر گرفته شد (فاتح، ۱۳۸۴: ۴۲۱).

احداث فروشگاه ها نیز از اقدامات مهم شرکت جهت تامین رفاه کارکنان و حفظ قدرت خرید آنها در تشکیلات خود بود. این فروشگاه ها که به استور^۳ معروف بودند به فروشگاه های کارگری و کارمندی تقسیم می شدند که نقش مهمی در تعدیل قیمت ها و حفظ و بالا بردن قدرت خرید کارکنان ایفا می کردند. جیره ی ماهانه ی کارگران به نام ریشن^۴ طبق برنامه ی مشخص در فروشگاه های کارگری توزیع می شد (عباسی شهنی، ۱۳۸۲: ۳۴۹). فروشگاه های شرکت نفت تا ۱۳۱۲/۱۹۳۳ ش. فقط به انگلیسی ها جنس می فروختند، تا اینکه این فروشگاه ها برای وارد کردن کالاهای خود از معافیت گمرکی برخوردار شدند و به شرط آنکه به کارگران ایرانی جنس بفروشند درهای خود را به سوی ایرانیان گشودند (وزیری، ۱۳۸۰: ۳۳۱).

تأثیر صنعت نفت در معماری و بافت شهری مسجد سلیمان

با رونق فعالیت های اکتشافی شرکت نفت ایران و انگلیس نیاز به ایجاد مسکن کارگری، کارمندی و بنگله ها به یکی از مهم ترین دغدغه های شرکت تبدیل شد. تا قبل از اینکه نظارت حکومت مرکزی در خوزستان گسترش یابد (قبل

^۱ chaty

^۲ Back pay

^۳ store

^۴ ration

از ۱۳۰۳ ش). شرکت برای عموم کارکنان انگلیسی، در مناطق نفت، به ویژه مسجد سلیمان، خانه هایی با امکانات رفاهی می ساخت. کارکنان هندی و پاکستانی نیز در اتاق هایی که به شکل سربازخانه بنا شده بود سکنی داشتند، ولی برای کارکنان ایرانی خانه و مسکن ساخته نشد، به گونه ای که آنها مجبور بودند در کپرهای حصیری و در خانه های متفرقه ای که ساخته ی بعضی افراد بود زندگی کنند. از ۱۳۰۳ ش. که نفوذ و قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر شد، کارکنان ایرانی شرکت که احساس می کردند حکومت مرکزی سرپرست آنها می باشد دیگر حاضر نبودند شرایط سخت بار پیشین را تحمل کند (فاتح، ۱۳۸۴: ۴۲۸).

به تدریج با توسعه ی عملیات نفتی در ایران و افزایش تعداد نیروی کار، تأکید شرکت بر ساخت خانه های مطلوب و مناسب بیشتر شد، تا جایی که شرکت در تولید و ارائه برق، خدمات درمانی، آب تصفیه شده و زهکشی به شهرداری محل کمک می کرد (طرفی، ۱۳۸۳: ۲۴۸). با ادامه و گسترش عملیات اکتشافی و ورود تعدادی کارشناس خارجی نیاز به واحدهای مسکونی و اداری بیشتر کاملاً محسوس بود، ولی تفکر اصلی و غالب بر مسئولان وقت (معطوف به عملیات اکتشاف، حفاری و بهره برداری) مجاللی برای مسائل رفاهی کارکنان باقی نگذاشت و علی رغم احداث چندین ساختمان هنوز تمامی کارگران بومی و تعدادی از کارشناسان و کارمندان رده پایین در چادر به سر می بردند، بدین ترتیب، شرکت برای حل این مشکل ساخت چندین باب ساختمان را به پیمان کاران محلی واگذار کرد (کسای، ۱۳۸۶: ۵).

با افزایش عملیات و گسترش فعالیت های شرکت نفت ساختمان هایی ساخته شد که در آن ها هنر و معماری و ظرافت در طراحی ساخت منازل دیده می شد. در مسجد سلیمان که نقطه ی عطف توجه شرکت نفت ایران و انگلیس بود، برای کارکنان شرکت سه نوع ساختمان سازی صورت گرفت. به گفته ی عباس شهنی: ((بنگله های بزرگ و جادار مخصوص کارکنان سطح بالا، بنگله های کوچکتري برای کارمندان، خانه های ردیفی برای کارگران ماهر و ساده که آن ها را ده فوتی و بیست فوتی می گفتند. طراحی خانه ها به خاطر گرمای هوا طوری ساخته شده بود که نور کمتری به آن بتابد)) (عباس شهنی، ۱۳۸۲: ۱۵۹). بنگله، از لفظ خارجی بنگلو، به معنی خانه یا محل نشیمن گرفته شده است (یعقوبی نژاد، ۱۳۷۲: ۱۷۴). در ساخت بنگله ها، که بیشتر مخصوص رئیسان و مدیران خارجی شرکت نفت در مسجد سلیمان بود، از هنر و معماری و ظرافت در طراحی و ساخت منازل استفاده می کردند. سنگ نمای ساختمانی صیقل خورده، درهای تمام چوب با کنده کاریهای ساختمان آثاری از گچ بری در سقف و دیوارها دیده می شد. خصوصیات دیگر این گونه اماکن، پوشش ایرانی در جلوی ساختمان و قسمت های دیگر آن، که در معرض مستقیم تابش آفتاب بوده می باشد و در کنار این ساختمان ها از ایجاد فضای سبز نیز غافل نماندند و این درختان فضای دلپذیری را برای خانه های کارکنان سطح بالا فراهم کرده بود (کسای، ۱۳۸۶: ۸).

به نظر می رسد برای کارگران، که ابتدا در جاده های حصیری زندگی می کردند، به تدریج خانه هایی مناسب ساخته شد، ولی امکانات رفاهی این خانه ها به پای خانه های کارمندی نمی رسید. به طور کلی، معماری داخل ساختمان های کارگری و کارمندی بسیار ساده بود، ولی منازل مسئولان شرکت، که اغلب انگلیسی ها در آن ساکن بودند از معماری خاصی بهره می برد. پنجره ها در عمق دیوار قرار گرفته، به طوری که حداقل گرما به داخل نفوذ می کرد. در داخل سالن نیز شومینه با گچ بری ساده پیرامون آن و آجرنوسوز در داخل آن حاکی از تبحر و تجربه معماران آن دوره

بود. بسیاری از کارشناسان این نوع معماری را الهام گرفته از منازل قدیمی انگلستان می دانند با این تفاوت که کاربرد شیروانی در انگلستان بیشتر به جهت محافظت از نزولات آسمانی بوده و هدف از تعبیه شومینه در انگلیس این بود که به جای سوخت گاز از زغال سنگ و چوب استفاده می گردید. آنچه مسلم است با توجه به اشراف کامل مسئولان خارجی، به ویژه انگلیسی ها به کلیه امور وارکان نفت، همه ی ساخت و سازها با طراحی و نظارت آن ها صورت می گرفت. خیابان بندی و ایجاد معابر در بخش های مختلف مسکونی و اداری با همان سبک و سیاق اروپایی شکل می گرفت.

بنابراین با کشف نفت، نوع سکونت و شهرنشینی نیز دچار تغییرات اساسی شد. خانم پولین لاوانیه، پژوهشگر فرانسوی، که رساله ی تحصیلی وی در خصوص شرکت شهرهای نفت ایران و انگلیس بود معتقد است: ((ورود مدرنیته به ایران از طریق خوزستان بوده و از راه همان شهر سازی نوین. زیرا پیش از آن شهر نشینی نوین وجود نداشته و این نوع شهرنشینی، با استقرار صنعت نفت ایجاد شده است)) (کتاب خوزستان، ۱۳۸۱: ۴۳).

کاوه احسانی که مقالاتی در مورد نقش شرکت نفت و تأثیر آن در خوزستان نوشته نیز معتقد است: ((صنعت نفت شهرهایی در خوزستان ایجاد کرد که تفاوت اساسی با سایر شهرهای ایران داشتند. یکی از کارکردهای مهم شهرهای کلاسیک تأمین قسمتی از نیازهای روستائیان از لحاظ بعضی از مواد غذایی، پوشاک و نیز ابزار تولید و جذب و توزیع مازاد اقتصادی روستا بوده است در صورتی که شهرهایی که شرکت نفت ایجاد کرد فاقد این کارکرد مهم بوده اند و کارکرد اصلی آن ها سازمان دهی و سازمان یابی آنها در ارتباط با نیاز های صنعت نفت و شرکت نفت ایران و انگلیس بوده است)) (کتاب خوزستان، ۱۳۸۱: ۲۴).

نتیجه گیری

پیدایش صنعت نفت در مسجد سلیمان باعث شکل گیری اولین شرکت شهر نفتی در خاورمیانه گردید. صنعت نفت در حیات مجدد این شهر و تحولات اجتماعی و جمعیتی آن نقش اساسی داشته است به طوری که هویت این شهر با صنعت نفت عجین شده است. تلاش صنعت نفت برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز، موجب سیل مهاجرت به این شهر نفتی شد. تفاوت های فرهنگی و قومی مهاجران سبب شد تا فرهنگی جدید و مختلط، جایگزین فرهنگ بومی عشایری شود. سکونت آنان در شرکت شهر مدرن و آشنایی با تمدن اروپایی نیز مشکلات و پیامدهای خاص خود را داشت. در این سال ها مسکن و شهرسازی، آگاهی سیاسی کارگران و کسبه، آشنایی با بهداشت و درمان به سبک غربی و جایگزینی آن با طب سنتی، استقبال از شیوه های جدید آموزشی و تلاش برای یادگیری حرفه ای کار، در کنار رشد صنعت نفت در منطقه نفتی ایجاد شد.

تغییر در معیشت و سبک زندگی مردم، روی آوردن به فعالیت اقتصادی، رواج تعداد واژگان بیگانه در گویش مردم از جمله تأثیراتی است که نشان می دهد صنعت نفت تا چه حدی در زندگی مردم نفت خیز مسجد سلیمان رخنه کرده است؛ با توسعه صنعت، محیط کار مردان از مزارع و مراتع به کارگاه نفتی، احداث جاده، نصب تأسیسات نفتی و

حمل لوله ها و ابزار مورد نیاز صنعت نفت تغییر یافت. در چنین شرایطی وضعیت کشاورزی دچار رکود شد و گرایش مردم به سمت فعالیت های تجاری افزایش یافت.

جمعیتی که در این سال ها در این منطقه نفت خیز جمع شد، به لحاظ دینی، قومی، ملیت، معیشت، فرهنگ و بسیاری ویژگی های دیگر متفاوت بود. مسجدسلیمان به عنوان شهرک صنعتی مدرن مانند عضوی کاملاً غریبه و ناهمگون بود که تصادفاً بر پیکر اجتماع پیوند خورده بود. اجتماعی که مردمانش هنوز سنتی، روستایی و در برخی نقاط چادر نشین بودند.

انگیزه هایی که موجب مهاجرت مردم از شهرها و روستاهای ایالات دیگر به مناطق نفتی شد از جمله فرار از قحطی و ناامنی در ایالات دیگر ایران و به دست آوردن شغل و درآمد ثابت، عاملی مهم در مهاجرت مردم به این منطقه نفتی گردید. توسعه صنعت نفت به جابجایی جمعیت، افزایش جمعیت، تغییر مشاغل و شکل گیری قشر کارگر صنعتی در مناطق نفت خیز جنوب ایران به ویژه مسجدسلیمان انجامید. وجود ناامنی و بی ثباتی سیاسی و اقتصادی در ایران مقارن با دوره تاریخی استبداد صغیر و قحطی های مکرر در مناطق مختلف نیز تأثیر به سزایی در انتخاب گزینه مهاجرت به سرزمین گرم خوزستان خصوصاً مسجدسلیمان شد. در واقع، اطلاعات به دست آمده نشان می دهند که ارتباط مثبت و معنی داری میان پیدایش صنعت نفت و توسعه اجتماعی (با عنایت به شاخصهای این نوع توسعه در مقطه زمانی مورد نظر) در شهر مسجد سلیمان وجود داشته و اسناد و شواهد تاریخی این فرضیه را تأیید می کنند.

فهرست منابع

- احسانی، کاوه (۱۳۷۸). تجدد و مهندسی اجتماعی در شرکت شهرهای خوزستان: نگاهی به تجربه آبادان و مسجدسلیمان، فصلنامه گفتگو، شماره ۲۵.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). جامعه شناسی توسعه، تهران، نشر کلمه.
- افشارسیستانی، ایرج (۱۳۶۹). نگاهی به تاریخ خوزستان، مجموعه ای از اوضاع تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی منطقه، تهران، بلور.
- افشین، کاظم (۱۳۳۳). نفت و خوزستانیان، تهران، بینا.
- اطهاری، کمال (۱۳۷۰). مسجدسلیمان؛ "شرکت شهری مدنیت- یافته"، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۴۷ و ۴۸.
- باور، سیروس (۱۳۹۰). "شرکت شهر مسجدسلیمان"، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۳۶.
- بشیریه، حسین - ۱۳۸۰ - "موانع توسعه سیاسی در ایران" - چاپ اول - نشر مرکز.
- برگین، دانیل (۱۳۷۴). تاریخ جهانی نفت، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، اطلاعات.
- جانسون، چالمرز، (۱۳۶۳) تحول انقلابی، ترجمه الیاسی، تهران، امیرکبیر.
- جعفری قنوتی، محمد (۱۳۸۳). "نفت و بازتاب آن در داستان نویسان خوزستان"، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۹.
- دورتینگ، پولین لاواین (۱۳۸۲). "شهرکهای شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان، مطالعه ای درباره تاریخ شهرک نشینی (۱۹۰۸-۱۹۵۱)"، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱۵.
- ذوقی، ایرج (۱۳۷۵). مسائل سیاسی نفت ایران، تهران، پازنگ.
- راسخی لنگرودی، احمد (۱۳۸۵). مردان نفت، تهران، کویر.

- ربابه معتقدی و دیگران (۱۳۹۲). "صنعت نفت و تحول جمعیتی و شغلی در مناطق نفت خیز جنوب، تحقیقات تاریخ اجتماعی"، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۳۴.
- رفیع پور، فرامرز - ۱۳۷۶ - "توسعه و تضاد" - ج اول - شرکت سهامی انتشار.
- ریتزر، جورج، (۱۳۹۴)، نظریه جامعه شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، نشر نی.
- سرداری پور، محمدرضا و علی ایزدی نژاد (۱۳۸۷). حکایت سیمرغ و نفت، تهران: اساطیر.
- سند شماره ۲۴۰/۶۸، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سند شماره ۲۴۰/۱۸۶۲۸، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سند شماره ۲۹۳/۲۱۹، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سند شماره ۲۴۰/۲۳۳۶، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سند شماره ۲۴۰/۷۶۹۱، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سند شماره ۲۹۶/۵۲۱۳، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- شوادران، بنجامین (۱۳۵۴). خاورمیانه، نفت و قدرت های بزرگ، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- صفایی پور، مسعود و دیگران، "مسجد سلیمان، نخستین نفت شهر خاورمیانه و تحولات جمعیتی و کالبدی - فضایی آن در گذر زمان"، پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- طرفی، عباس (۱۳۸۳). مدیران صنعت نفت ایران، ج ۱، بی جا، ناشر مؤلف.
- عاقلی، باقر (۱۳۶۹). روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران: گفتار.
- عباس شهنی، دانش (۱۳۷۴). تاریخ مسجد سلیمان از روزگار باستان تا امروز، تاریخ تحولات صنعت نفت، هیرمند، چاپ اول.
- علم، محمدرضا (۱۳۸۶). انقلاب اسلامی در اهواز: علل و زمینه های وقوع انقلاب اسلامی (ج ۱)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، ج ۲، تهران، گستره.
- فاتح، مصطفی (۱۳۸۴). پنجاه سال نفت در ایران، تهران: علم.
- قاسمی، ایرج (۱۳۸۷). تاریخ یکصدساله مناطق نفت خیز جنوب (ج ۱)، بی جا: روابط عمومی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب.
- کتاب خوزستان (در زمینه تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات خوزستان) (۱۳۸۱) ج ۱، تهران، سایه هور.
- کسایی، احمد (۱۳۸۶). مروری بر تاریخچه معماری و عملیات ساختمانی مناطق نفت خیز جنوب، بی جا، روابط عمومی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب.
- لهسایی زاده، عبدالعلی - ۱۳۸۲ - "جامعه شناسی توسعه" - چاپ دوم - انتشارات دانشگاه پیام نور.
- گیرشمن، رومن (۱۳۵۱). "صفه مقدس در مسجد سلیمان"، ترجمه مسعود رجب نیا، ماهنامه هنر و مردم، شماره ۱۲۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) جامعه شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ورسلی، پیتر - ۱۳۷۳ - "جامعه شناسی مدرن" - ترجمه حسن پویان - جلد اول - انتشارات چاپخش.
- وزیر، شاهرخ (۱۳۸۰). نفت و قدرت در ایران: از قنات تا لوله، مرتضی ثاقب فر، تهران، مؤسسه انتشاراتی عطایی.
- ویلسون، آرنولد (۱۳۶۳). سفرنامه ویلسون یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، وحید.
- وینر، مایرون - ۱۳۵۰ - "نوسازی جامعه" - ترجمه: رحمت الله مقدم مراغه ای - تهران - انتشارات فرانکلین.
- یعقوبی نژاد، علی (۱۳۷۲). رئیس نفت، بی جا: یادواره کتاب.

- کاشانی، سکینه(۱۳۹۱). بررسی زمینه های شکل گیری جنبش و اعتصابات کارگری نفت در خوزستان.